



## A Critique of the Innate Nature Theory of Homosexuality Based on Islamic and Christian Teachings \*

Mohammad Panahi <sup>1</sup>

### Abstract



The topic of homosexuality is currently a focal point of discussion and debate. This behavior has experienced a significant evolution influenced by two opposing perspectives. On one hand, the acceptance of certain individuals has contributed to the normalization of what was previously deemed a deviation. On the other hand, some scholars argue that the non-volitional aspect of this behavior stems from its intrinsic qualities, bolstered by genetic, hormonal, and neurological studies concerning homosexual individuals. While this hypothesis has faced criticism from an empirical scientific standpoint, this research adopts a descriptive-analytical approach to examine, for the first time, the concept of homosexuality as innate through the lenses of Christianity and Islam. Both of these Abrahamic religions link this behavior to the people of Lot, thereby rejecting any notion of an inherent nature associated with it. Their sacred texts underscore, both directly and indirectly, that homosexuality represents a form of sexual deviation that contradicts human nature and essence.

**Keywords:** Islam, Christianity, Homosexuality, Innateness, Naturalness.

---

\*. **Date of Receiving:** 30 - 8 - 2023, **Date of Approving:** 31 - 5 - 2024.

1. Professor and Associate Researcher, Department of Comparative Studies of Islam and Religions, Imam Reza (AS) International Research Institute: panahi9158087656@yahoo.com.



## نقد نظریه سرشتی بودن هم جنس گرایی با توجه بر آموزه های اسلام و مسیحیت \*

محمد پناهی<sup>۱</sup>



### چکیده

یکی از رفتارهایی که در عصر حاضر مورد بحث و مناقشه قرار دارد، هم جنس گرایی است. این رفتار با دو رویکرد متفاوت با تغییر بنیادی مواجه شد، نخست به دلیل گرایش برخی از افراد، ناهنجاری بودن آن در هم شکست و سپس عده ای با تکیه بر دلایل و تحقیقات صورت گرفته و با استناد به نقش ژنتیک، هورمون و ساختار مغزی در هم جنس گرایان، غیراختیاری بودن این رفتار را نتیجه سرشتی و ذاتی بودن آن قلمداد کردند. گرچه این نظریه از منظر علوم تجربی مورد نقد قرار گرفته است؛ ولی در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی برای نخستین بار سرشتی بودن هم جنس گرایی از منظر مسیحیت و اسلام مورد بحث و مناقشه قرار گرفته است. دین آسمانی مسیحیت و اسلام، با منتسب دانستن این رفتار به قوم لوط، هرگونه سرشتی بودن این رفتار را نفی می کند و در کتب آسمانی خود بر انحراف جنسی بودن و برخلاف فطرت و سرشت انسانی بودن هم جنس گرایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأکید دارند.

واژگان کلیدی: اسلام، مسیحیت، هم جنس گرایی، سرشتی بودن، فطری بودن.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱.

۱. دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی نمایندگی خراسان و پژوهشگر همکار پژوهشکده بین المللی امام رضا ع، جامعه المصطفی ص العالمية نمایندگی خراسان، مشهد: panahi9158087656@yahoo.com.



## مقدمه

شاید نتوان رفتاری مانند همجنس‌گرایی را یافت که با تغییر بنیادی مواجه شده باشد؛ رفتاری که از نابهنجار بودن به هنجار و رفتار طبیعی و حتی حق انسانی تغییر عنوان پیدا کرد. تا پیش از ۱۹۷۳ همجنس‌گرایی در تمام دنیا نوعی انحراف جنسی و جزء اختلال‌های روانی به نام آشفتگی گرایش جنسی طبقه‌بندی می‌شد و رفتار همجنس‌گرایان با القابی مانند «غیرطبیعی، جنایت علیه سرشت، سودومی یا لواط» تعبیر می‌شد و آنان از این رهگذر مورد تحقیر قرار می‌گرفتند؛ اما از سال ۱۹۷۳ به بعد درباره همجنس‌گرایی نظریه جدیدی شکل گرفت که همجنس‌گرایی را نیز مانند تمایل به جنس مخالف به سرشت ذاتی انسانی ملحق کرد و مدعی شد تمایل به جنس موافق مانند تمایل به جنس مخالف در سرشت انسانی وجود دارد و مخالفان با همجنس‌گرایی با یک امر ذاتی و فطری مخالفت می‌کنند. این گروه از افراد با زیر سؤال بردن تقسیم‌بندی انسان‌ها به مرد یا زن بودن، قائل به گونه‌سومی نیز شدند و حتی پا را از این فراتر گذاشته‌اند و با تفکیک قائل شدن بین جنس و جنسیت، روحیات و احوالات زنانه و مردانگی را از ساختار بیولوژیکی جدا کردند (گولومبوک، رشد جنسیت، ۱۳۷۸: ۱۲۵). شاید بتوان پایه‌گذار این جریان را کارل هاینریش اولریکس (Karl Heinrich)، حقوقدان و روزنامه‌نگار آلمانی نامید.

هم‌راستا با شکل‌گیری این نظریه، کشورهای غربی نیز تلاش‌های زیادی برای به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی انجام دادند، شاید بتوان نخستین تلاش را تغییر واژه‌ها عنوان کرد؛ واژه‌هایی مانند لواط، مساحقه، سدومی که بار معنای منفی در ذهن‌ها داشت با واژه‌های دیگر مانند ازدواج با جنس موافق و خانواده همجنس‌گرا تغییر پیدا کرد؛ بدین‌سان واژه‌هایی که جایگاه و اهمیت خانواده را به تصویر می‌کشاند، برای فروپاشی کانون خانواده مورد استفاده قرار گرفت (برای آشنایی بیشتر با اهمیت جایگاه خانواده از منظر اسلام و سایر ادیان ر.ک: قاسمی، و همکاران، نقش کانونی خانواده و نقش‌های خانوادگی در تحقق سبک زندگی اسلامی براساس قرآن، ۱۴۰۲: ۱۷۱-۱۹۶). دومین تلاش را می‌توان خارج کردن این افراد از «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی» (DSM) دانست. البته ناگفته نماند که طبق اظهارات رئیس سابق انجمن روان‌شناسی آمریکا، هیچ دلیل علمی بر خروج همجنس‌گرایان از گروه اختلالات روانی وجود نداشت و این رفتار صرفاً بر اثر فشارهای سیاسی و با تنها با اختلاف ۸ درصد رأی اتفاق افتاد (Crompton, Homosexuality and civilization, 2006, p108). سومین تلاش را برخی از کشورها با به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی انجام دادند. دانمارک در به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی از دیگر کشورها سبقت گرفت و در سال ۱۹۸۹ روابط بین دو

هم جنس را مجاز اعلام کرد (Ibid, p108). هلند اولین کشوری بود که قانون ازدواج هم جنس گرایان را در سال ۲۰۰۱ به رسمیت شناخت و آن را قانونی کرد. بعد از هلند دیگر کشورها هم ازدواج هم جنس گرایان را به رسمیت شناختند. در آمریکا در سال ۲۰۱۳ دیوان عالی آمریکا با لغو بند سوم قانون دوم که ازدواج را منحصر به یک مرد و یک زن می دانست عملاً راه را برای ازدواج قانونی هم جنس گرایان هموار کرد (McCarthy, Two in three Americans support same-sex marriage, 2018)، و در انگلیس در همین سال لایحه ازدواج هم جنس گرایان به تصویب رسید (Chalabi, Gay Britain: What do the statistics say?, 2013, p3). مشابه این رفتار را در عملکرد فمینیست ها شاهد هستیم که بسیاری از رفتاری های متداول و رایج زنانه را از ارزش به صدارزش مبدل کردند (کریم پور قراملکی و ملایی، تحلیل مبانی قرآنی تولید نسل انسان، ۱۴۰۲: ۱۴۷-۱۷۰).

در یک تقسیم بندی می توان هم جنس گرایان را به دو گروه اصلی تقسیم کرد؛ گروهی که قائل به اختیاری و انتخابی بودن هم جنس گرایی هستند و گروهی که قائل به سرشتی و ذاتی بودن و غیراختیاری و غیرانتخابی بودن هم جنس گرایی هستند. برخی از محققان حوزه های مختلف تلاش کردند و تلاش دارند با استفاده از آزمایشات و تجربیات مختلف، هم جنس گرایی را امری ژنتیکی یا معلول ساختار مغزی جلوه دهند تا بتوانند از این رهگذر با غیراختیاری، سرشتی و فطری دانستن تمایل به جنس موافق، این رفتار را مانند تمایل به جنس مخالف، موجه و عادی نشان دهند و آن را به عنوان نوعی از سبک زندگی و رفتاری انسانی به دنیا معرفی کنند.

این جریان تاکنون از جنبه های مختلفی مورد نقد قرار گرفته است. سوزنچی (۱۳۹۹) بعد از بیان سیر تاریخی رسمی شدن هم جنس گرایی، نظرات قائلان به طبیعی بودن هم جنس گرایی را از منظر علوم تجربی مورد نقد و بررسی قرار داده است. جلیلی (۱۳۹۹) بعد از بیان نظریات تأثیرگذار در هم جنس گرایی مانند تأثیر برادران دوقلو، ژنتیک، عوامل روانی، محیط، از منظر علوم تجربی نظریه های مربوط به هم جنس گرایی را مورد بررسی قرار داده و آمار محققان مختلف درباره تأثیر عوامل ژنتیک، آناتومی مغز، هورمونی، محیطی، آموزشی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته که هیچ توافقی بر تأثیر مستقل هیچ کدام از عوامل وجود ندارد.

رحمان و ویلسون (۲۰۰۳) معتقد هستند که علت را باید در تجربیات جنسی جستجو کرد. سادوک (۲۰۰۷) علت هم جنس گرایی را به جای ژن، هورمون و ساختار مغزی، وقفه رشد روانی می داند، روزنهان و سلیگمن (۱۳۹۲) قائل اند که هم جنس گرایی رفتاری کاملاً آموختنی است و هیچ ارتباطی به تمایل ذاتی ندارد. برخی مانند اسپیتز (۲۰۱۳) و درشر (۲۰۱۳) با مصاحبه با



همجنس‌گرایان مداوا شده اعلام کردند که همجنس‌گرایی نمی‌تواند سرشتی و ذاتی باشد. گرچه همجنس‌گرایی از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ اما در این تحقیق سعی شده است با نگاه متفاوت، بعد از تبیین نظریه سرشتی بودن همجنس‌گرایی، با استفاده از نظریات صاحب‌نظران، نقد سرشتی بودن با استفاده از آموزه‌های اسلام و مسیحیت و صرفاً از جنبه دینی مورد نقد و بررسی قرار بگیرد.

### یک. نظریه‌های سرشتی بودن همجنس‌گرایی

همان‌طور که اشاره شد عده‌ای از محققان با پیش فرض سرشتی بودن همجنس‌گرایی تلاش کردند از طرق مختلف این گرایش را به امور ذاتی نسبت دهند تا بتوانند با اثبات غیراختیاری بودن این گرایش، آن را مانند تمایل به جنس موافق جزء تمایلات ذاتی و اساسی انسان محسوب کرده و با حق تلقی کردن این گرایش، آن را به‌عنوان یک سبک زندگی به مردم دنیا معرفی کنند.

#### الف. زمینه ژنتیک

برای اثبات سرشتی و ذاتی بودن همجنس‌گرایی، مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته است تا ثابت کنند همجنس‌گرایی انتخابی نیست؛ بلکه از طریق ژن به انسان منتقل می‌شود، لذا همجنس‌گرایی یک رفتار طبیعی و طبق سرشت انسانی قلمداد می‌شود (Garnets & Peplau, Understanding women's sexualities and sexual orientations: An introduction, 2000, p188).

تحقیق درباره نقش ژن در همجنس‌گرایی در سال ۱۹۹۳ توسط هامر شروع شد و این تحقیق مقدمه‌ای برای تحقیقات دیگری جهت اثبات نظریه تأثیر وجود ژن خاص در همجنس‌گرایان بود. هامر در پژوهشی سعی کرده تا تأثیر ژن‌های مادر بر همجنس‌گرا شدن فرزند را بررسی کند (هامر، نقش ژن‌ها در شکل‌گیری شخصیت، ۱۳۸۲: ۴۵).

طرفداران این نظریه برای اثبات مدعای خود تحقیقاتی را روی برادران همجنس‌گرا انجام دادند تا بتوانند تأثیر ژن در همجنس‌گرایی را به اثبات برسانند در تحقیق دیگر دوقلوهای تک تخمکی و دوقلوهای دو تخمکی را مورد مطالعه قرار دادند و با به‌دست آمدن آمار بیشتر همجنس‌گرایی در دوقلوهای تک تخمکی به این نتیجه رسیدند که همجنس‌گرایی از طریق ژن به فرد منتقل می‌شود (Sadock & Sadock, Abnormal sexuality and sexual dysfunctions. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan ) & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences /clinical psychiatry, 2007, p695)، و در

تحقیق دیگر محققان با تغییر در ژن‌های موش، موفق به تغییر در گرایش جنسی او شدند (Park & et al, Male-like sexual behavior of female mouse lacking fucose mutarotase, 2010, p5). برخی از دانشمندان با اینکه نتوانستند نظریه خود را به صورت قطعی اثبات کنند، قائل‌اند که ژن قطعی برای گرایش در هم‌جنس‌گرایی وجود دارد (جبلی، شناسایی و تبیین ابعاد هویت در جوانان پسر با گرایش به هم‌جنس، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

#### ب. زمینه هورمونی

یکی از نظریاتی که هم‌جنس‌گرایی را سرشتی و ذاتی می‌داند، معتقد است که علت را باید در ترکیبی از ژنتیک، هورمونی و عصب‌شناختی (Ellis & Ames, eurohormonal functioning and sexual orientation: A theory of homosexuality-heterosexuality, 1978, p240) جستجو کرد و هم‌جنس‌گرایی به صورت طبیعی از ترکیب این عوامل تحقق می‌یابد. این گروه معتقدند که جهت‌گیری جنسی انسان را ژنتیک، هورمون‌های جنسی و رشد مغز تعیین می‌کنند؛ عواملی مانند استفاده برخی داروها توسط مادر یا فشارهای روحی روانی در زمان بارداری یا نقص ژنتیک می‌توانند زمینه‌ساز هم‌جنس‌گرایی فرد را فراهم کند.

آن‌ها در تحقیقات به این نتیجه رسیدند که بین کمبود و فراوانی هورمون آندروژن در مردان و زنان قبل از تولد و هم‌جنس‌گرایی رابطه وجود دارد (Byne & Parsons, 1993, Human sexual orientation: The biologic theories reappraised, p232). محققان این گروه عقیده دارند با توجه به اینکه هورمون‌های جنسی به‌ویژه آندروژن‌ها در انگیزش جنسی تأثیر زیادی دارد، لذا پایین بودن سطح این نوع هورمون می‌تواند دلیل بر هم‌جنس‌گرایی مردان باشد و برای اثبات نظریه خود به دلایلی تمسک کردند، از جمله به رفتار نوعی از گوسفند استناد کردند که گرایش به هم‌جنس داشته و عصب‌شناختی او با دیگر گوسفندانی که تمایل به جنس مخالف داشته متفاوت بوده است (Vasey, Same-sex sexual partner preference in hormonally and neurologically unmanipulated animals, 2002, p151).

در عصر حاضر محققان با استناد به نتایج تحقیقات انجام‌شده برای هورمون‌ها اهمیت بیشتری نسبت به ژنتیک قائل‌اند و این درجه اهمیت را در رفتارهای جنسی بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند و تأثیر هورمون در رفتارهای جنسی مانند هم‌جنس‌گرایی را تأثیر مستقیم و انکارناپذیر می‌دانند (وکیلی، هم‌جنس‌گرایی؛ تحلیلی در جامعه‌شناسی تکاملی، ۱۳۹۶: ۷۹).



### ج. ساختار مغز

طبق نتایج تحقیقات برخی از محققان، میان افراد دگرجنس‌گرا و همجنس‌گرا، ازلحاظ ساختار آناتومیک مغز تفاوت وجود دارد. طبق یافته‌های این گروه از محققان، در مرحله‌ای از تکامل و رشد، ساختار آناتومیک مغز دچار تحول و تغییراتی می‌شود که در نتیجه آن ساختار مغزی تعامل و همنوایی خود را به‌صورت غیر معمول و غیرطبیعی با جنسیت فرد از دست می‌دهد (Kruijver et al, Male-to-female transsexuals have female neuron numbers in a limbic nucleus, 2000, p2036).

برای اثبات نظریه، در تحقیق دیگری که بر آناتومیک مغز هر دو گروه انجام گرفت مشخص شد که حجم هسته قرمز افراد سالم (دگرجنس‌گرا) بزرگ‌تر از افراد دچار اختلال هویت جنسی (بدون در نظر گرفتن تمایل جنسی آنان که شامل همجنس‌گرایان هم می‌شود) است (Zhou et al, A sex difference in the human brain and its relation to transsexuality, 1995, p69).

بلانچارد با تحقیقاتی که بر گروه‌های مختلف همجنس و غیر همجنس‌گرا و مقایسه آن‌ها با یکدیگر انجام داده است T معتقد است که تولد برادر بزرگ‌تر در گرایش جنسی برادر کوچک‌تر تأثیرگذار است. او در توضیح نظریه خود می‌گوید: بر روی سلول‌های جنین پسر، مواد خاصی وجود دارد که در زمانی که در رحم مادر است به بدن مادر منتقل می‌شود و سیستم ایمنی بدن مادر برای آن پادتن تولید می‌کند و بعد از بارداری مجدد این پادتن تولیدشده به مغز جنین پسر منتقل می‌شود که باعث کاهش گرایش جنسی مردانه جنین پسر می‌شود (Blanchard, Fraternal birth order, family size, and male homosexuality: Meta-analysis of studies spanning 25 years, 2018, p8).

### دو. نقد نظریه بر اساس آموزه‌های مسیحیت

به‌عنوان مقدمه لازم است که تذکر داده شود که مراد ما از آموزه‌های مسیحیت، آموزه‌های موجود در کتب عهد عتیق و کتب عهد جدید است و با محوریت این کتب، سرشتی بودن همجنس‌گرایی موردنقد قرار خواهد گرفت.

برای نقد و بررسی بهتر و تحلیل مناسب‌تر از کتب مقدس، تلاش شده است که آموزه‌ها به دو گروه مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی شود و منظور ما از آموزه‌های مستقیم آموزه‌هایی است که بدون هیچ قرینه دیگری بر مدعای ما دلالت دارد و منظور از آموزه‌های غیرمستقیم آموزه‌هایی هستند که با کمک قرائن دیگر مانند قرینه عقلی یا استناد به دیگر آیات بر مدعای ما دلالت می‌کند.

## الف. در عهد عتیق

در مسیحیت هم جنس گرایی به عنوان گناهی زشت و نابخشودنی معرفی می شود. طبق آموزه های مسیحیت، اعم از کتب عهد عتیق و عهد جدید هم جنس گرایی از زمان قوم لوط یا سدوم آغاز شده است. در بررسی کتب عهد عتیق به آموزه ای که به صورت مستقیم سرشتی بودن هم جنس گرایی را نفی کند، دست نیافتیم و تمامی آیات داله در کتب عهد عتیق فقط بر نفی هم جنس گرایی دلالت دارند. ابتدا برخی از این آیات را مورد بررسی قرار می دهیم، سپس با کمک قرینه عقلی نحوه دلالت این آیات بر نفی سرشتی بودن هم جنس گرایی را ذکر خواهیم کرد.

در برخی آیات خداوند به صورت صریح از هم جنس گرایی نهی می کند و انجام این عمل را نشانه فجور می داند؛ مانند: «هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند، چون این عمل، بسیار قبیح است.» (لاویان، ۱۸، ۲۲).

در سفر پیدایش خداوند با بیان داستان حضرت لوط و بیان عذاب قوم ایشان، علت اصلی عذاب را رایج بودن هم جنس گرایی در بین قوم لوط به طوری که حتی از مهمان هم دریغ نمی کردند، معرفی می کند (پیدایش، ۱۹، ۱-۲۴)، و با توجه به عذاب سخت قوم لوط به وسیله گوگرد و آتش توسط خداوند، می توان نتیجه گرفت که گناه هم جنس گرایی آنان از منظر خداوند گناهی بزرگ به شمار می رفته است.

در برخی آیات نیز با بیان مجازات دنیوی این عمل، خداوند سعی می کند تا مردم را از هم جنس گرایی و تمایل به هم جنس بر حذر بدارد، خداوند در برخی آیات مجازات را بیرون کردن از سرزمین معرفی می کند و این مجازات را با عبارتی همچون «زمین ساکنان خود را قی کند.» (لاویان، ۱۸، ۲۵)، بیان می دارد.

در آیات دیگر مجازات را تبعید و طرد از قوم می داند: «زیرا هر کسی که یکی از این فجور را بکند، همه کسانی که کرده باشند، از میان قوم خود منقطع خواهند شد.» (لاویان، ۱۸، ۲۹).

در نهایت در برخی دیگر از آیات، مجازات فعل هم جنس گرایی را شدیدترین مجازات یعنی قتل معرفی می کند: «و اگر مردی با مردی مثل با زن بخوابد هر دو فجور کرده اند. هر دو ایشان البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است.» (لاویان، ۲۰، ۱۳).

گرچه آیات ذکر شده در کتب عهد عتیق به صورت صریح دلالت بر غیرطبیعی بودن هم جنس گرایی ندارد؛ اما می توان با کمک قرینه عقلی، غیرطبیعی بودن این رفتار را اثبات کرد. از جمله اینکه در فصل ۱۸ و ۲۰ سفر لاویان، خداوند روابط نامشروع را بیان می کند و قبل از ممنوعیت هم جنس گرایی، ممنوعیت نزدیکی با مادر، پدر، خواهر، دختر، نوه، عمه، خاله، زن پدر، عروس و دیگر محارم نسبی و



سببی و بعد از ممنوعیت هم‌جنس‌گرایی، ممنوعیت نزدیکی با حیوان، ذکر شده است (لاویان، ۱۸، ۲۳-۷، ۲۰، ۲۱-۱۱). سرشت و فطرت هر انسانی نزدیکی با محارم مانند پدر، مادر، خواهر و نوه و دیگر محارم و نزدیکی با حیوان را قبیح می‌داند و این موضوع مانند دیگر امور فطری عمومیت دارد و از قرار گرفتن هم‌جنس‌گرایی در میان این امور می‌توان نتیجه گرفت که هم‌جنس‌گرایی نیز از نظر کتب عهد عتیق، مخالف طبع و فطرت انسانی قلمداد می‌شود.

#### ب. در عهد جدید

کتب عهد جدید نیز با تأیید مطالب نگارش شده در عهد قدیم، به‌صورت صریح و گسترده‌تر هم‌جنس‌گرایی را مورد نقد و انتقاد خود قرار داده و مردم را از این گونه رفتارهای انحرافی برحذر می‌دارد. با تتبع در کتب عهد جدید می‌توان آموزه مستقیم بر غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی اقامه کرد و در رساله پولس رسول به رومیان این مطلب به صراحت بیان شده است. در فصل اول این رساله آمده است:

از این سبب خدا ایشان را به هوس‌های خبثت تسلیم کرد، به‌نوعی که زنانشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل کردند و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنان را ترک کرده، از شهوات خود با یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال زشت شده، عقوبت سزاوار تقصیر خود را در خود یافتند (رساله پولس رسول به رومیان ۱، ۲۶-۲۷).

در این آیات و آیات قبل، پولس رسول خطاب به رومیان، آن‌ها را از پرستش غیرخدا برحذر می‌دارد و آن‌ها را از عذاب و عقاب خداوند می‌ترساند و یکی از عذاب‌های پرستش غیرخداوند را رهاکردن توسط خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید خدا آن‌ها را رها می‌کند تا در آتش شهوت و گناهانشان بسوزند و یکی از گناهان زشت که در نتیجه پرستش غیرخدا مرتکب می‌شوند این است که مردان و زنان فطرت و طبیعت ذاتی خود که ازدواج با جنس مخالف است را رها می‌کنند و برخلاف فطرت و طبیعت ذاتی خود به‌سمت جنس موافق میل پیدا می‌کنند و هم‌جنس‌گرا می‌شوند و در نتیجه با این کار روح خود را آلوده می‌کنند. در این آیات به‌صورت صریح هم‌جنس‌گرایی برخلاف فطرت و طبیعت انسان معرفی شده است.

برای اثبات هم‌جنس‌گرایی به‌صورت غیرمستقیم هم می‌توان به آیات متعددی که هم‌جنس‌گرایی را مذموم می‌داند، استدلال کرد، سپس با کمک قرائن مختلف مدعای خود را اثبات خواهیم کرد. ابتدا آیات قبیح‌بودن هم‌جنس‌گرایی در کتب عهد جدید را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پولس رسول در نامه خود به قرنتیان بعد از هم‌طراز قراردادن هم‌جنس‌گرایان با بت‌پرستان، دزدان و کلاه‌برداران، همه آن‌ها را فاقد صلاحیت برای وراثت ملکوت می‌داند:

«مگر نمی‌دانید که مردمان نادرست در پادشاهی خدا نصیب نخواهند داشت؟ خود را فریب ندهید. افراد شهوت‌ران، بت‌پرستان، زناکاران، لواط‌گران، دزدان، طمع‌کاران، مست‌کنندگان، ناسزاگویان و کلاه‌برداران در پادشاهی خدا هیچ بهره‌ای نخواهند داشت.» (رساله اول پولس رسول به قرنتیان، ۶، ۹-۱۰).

همچنین پولس رسول در نامه اول خود به تیموتائوس، علاوه بر گنهکار دانستن هم‌جنس‌گرایان، این گروه را فاقد تربیت و تعلیم صحیح معرفی می‌کند:

«بلی، این احکام داده شد تا نشان دهد که مرتکبان این اعمال، جزو گناهکارانند؛ یعنی زناکاران، هم‌جنس‌بازان، آدم‌دزدان، دروغ‌گویان و تمام کسانی که مرتکب اعمالی برخلاف تعلیم صحیح می‌گردند.» (رساله اول پولس رسول به تیموتائوس، ۱، ۱۰).

خداوند در رساله یهودا و در مقام نصیحت و برحذر داشتن مؤمنان از هم‌جنس‌گرایی، با بیان کردن داستان قوم سدوم و عموره، علت عذاب آن‌ها را که آتش جاویدان است، انحرافات جنسی از جمله هم‌جنس‌گرایی معرفی می‌کند:

«همین‌طور شهرهای سدوم و عموره و شهرهای مجاور آن‌ها که خود را به زناکاری و انحرافات جنسی تسلیم کردند و اکنون به‌عنوان عبرت در آتش جاودانی مجازات می‌شوند.» (رساله یهودا، ۱، ۷). شاید نتوان نهی‌های کتب عهد جدید را بر غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی حمل کرد؛ اما با ضمیمه کردن کلام برخی از چهره‌های مطرح عالم مسیحیت؛ مانند آکویناس می‌توان به‌صورت غیرمستقیم از نهی‌های وارده و دیگر آموزه‌های عهد جدید غیرفطری بودن آن را استنباط کرد. آکویناس برای اثبات غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی سه دلیل ذکر می‌کند:

دلیل اول: طبع و فطرت ذاتی انسان صرف از نظر رنگ، دین و مکان جغرافیایی هم‌جنس‌گرایی را مذموم می‌داند و از آن تنفر دارد. انسان‌ها همان‌طوری که ارتباط جنسی با حیوان را مخالف فطرت پاک انسانی می‌دانند، با هم‌جنس‌گرایی نیز مخالف هستند.

دلیل دوم: با دقت در عالم طبیعت و قوانین حاکم بر موجودات زنده متوجه خواهیم شد که عالم به‌گونه‌ای براساس موجود مذکر و مؤنث ترتیب یافته است که این دو مکمل و تکمیل‌کننده یکدیگر محسوب می‌شوند لذا نمی‌توان هیچ توجیه عقلانی بر هم‌جنس‌گرایی دو جنس موافق ارائه کرد. (Aquinas, The summa theologica: Complete edition, 2014, p103).

دلیل سوم: اهمیت کانون خانواده چنان از مقبولت بالایی برخوردار است که می‌توان این کانون را از اساسی‌ترین و باسابقه‌ترین نظام‌های موجود در جهان قلمداد کرد و قوام این مهم با قرارگرفتن زن و مرد



در کنار یکدیگر به وجود می آید و خداوند در انجیل ازدواج و فرزنددار شدن از طریق ازدواج را امری طبیعی قلمداد می کند و خانواده متشکل از زن و مرد را به عنوان خانواده خود و خانواده مقدس معرفی می کند (رساله اول پولس رسول به قرنتیان ۶، ۲۰)؛ لذا هرگونه نظام خانوادگی که بدون وصف زوجیت (زن و مرد) تشکیل شده باشد، مصداق انحراف جنسی قلمداد می شود.

با توجه به مطالب ذکر شده در کتب عهد عتیق، آموزه مستقیم بر غیرفطری بودن هم جنس گرایی وجود ندارد و صرفاً با استناد به آموزه های غیرمستقیم و با کنار هم قرار دادن آیات دیگر و با کمک قرینه عقلی می توان غیرفطری بودن هم جنس گرایی را اثبات کرد؛ اما در کتب عهد جدید بر غیرفطری بودن هم جنس گرایی علاوه بر آموزه های غیرمستقیم، آموزه مستقیم نیز دلالت دارد.

### سه. نقد نظریه براساس آموزه های اسلامی

لازم به ذکر است که منظور ما از آموزه های اسلامی، با محوریت قرآن و احادیث است، گرچه نیم نگاهی به کلام برخی از بزرگان و تفاسیر نیز داریم. در قسمت آموزه های اسلامی نیز مانند آموزه های مسیحیت، غیرفطری بودن هم جنس گرایی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### الف. اثبات غیرفطری بودن هم جنس گرایی به صورت مستقیم

برخی ادله به صورت مستقیم دلالت بر غیرفطری بودن هم جنس گرایی دلالت دارند مانند آیه «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُوا الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (اعراف/ ۸۰)؛ که در آن حضرت لوط برای شماتت هم جنس گرایی قوم خود و توبیخ آن ها می فرماید: شما فعلی را انجام می دهید که در عالم سابقه نداشته است شما مرتکب هم جنس گرایی می شوید.

اکثر مفسران قرآن اعم از شیعه و اهل سنت می فرمایند از این آیه فهمیده می شود که هم جنس گرایی از لحاظ تاریخی منتهی به قوم لوط می شود و می توان این قوم را بنیان گذار هم جنس گرایی دانست و عمل قوم لوط، طبق تصریح قرآن برخلاف فطرت و ساختمان طبیعی جسم و روح انسان و غریزه تحریف نیافته او است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۸/ ۱۸۴، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۶/ ۲۴۳، طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۸/ ۱۶۴، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۵/ ۱۵۱۸، طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۸۵، بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ۱۴۱۸: ۳/ ۲۲). امام رضا علیه السلام هم همگام با تفسیر این آیه هم جنس گرایی را منتسب به قوم لوط دانسته و می فرماید: «وَأَمَّا أَصْلُ اللَّوْطِ مِنْ قَوْمِ لُوطٍ»؛ «هم جنس گرایی مربوط به قوم لوط است.» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۴/ ۳۴۲). در حدیث دیگر و در تفسیر آیه به صورت صریح تر هم جنس گرایی را فعل

شیطانی معرفی می‌کند که توسط شیطان به قوم لوط تعلیم داده شده است (ابن بابویه، علل الشرایع، ۱۳۸۵: ۵۴۸/۲). یکی از ویژگی‌های امر فطری، ثابت بودن آن است. براساس این ویژگی و با توجه به این مطلب که خداوند در این آیه مبدع هم جنس گرایی را صراحتاً قوم لوط می‌داند که در تفاسیر شیعه و اهل سنت صراحتاً ذکر شده است (حقی برسوی، تفسیر روح البیان، بی تا: ۱۹۵/۳؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۶۵/۸؛ طبرانی، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ۲۰۰۸: ۱۶۸/۳). ادعای فطری بودن هم جنس گرایی طبق آموزه‌های اسلامی با مشکل اساسی مواجه می‌شود.

هم‌راستا با مفاد آیه ۸۰ سوره اعراف، در حدیثی امام رضا (ع)، برای حرمت هم جنس گرایی به مخالفت با فطرت انسانی این عمل تصریح کرده و می‌فرماید: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ، وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ، لِمَا رُكِبَ فِي الْإِنَاثِ وَ مَا طُبِعَ عَلَيْهِ الذُّكْرَانُ، وَ لِمَا فِي إِيثَانِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ، وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ، مِنْ انْقِطَاعِ النَّسْلِ، وَ فَسَادِ التَّدْبِيرِ، وَ خَرَابِ الدُّنْيَا؛ فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر برخلاف طبیعی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به علت این است که اگر مردان و زنان هم جنس‌گرا شوند، نسل بشر قطع می‌گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید و دنیا به ویرانی می‌کشد (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۶۴/۷۹).

حضرت امام رضا در این حدیث طولانی، فلسفه و علت بسیاری از احکام الهی را بیان فرمودند؛ مثل علت وضوگرفتن در نماز، علت حرمت سرقت، زنا و دیگر محرمات و نسبت به علت حرمت هم جنس گرایی به صورت صریح می‌فرماید که چون این رفتار برخلاف فطرت و طبیعت انسانی است، لذا حرام است.

#### ب. اثبات غیر فطری بودن هم جنس گرایی به صورت غیر مستقیم

برای اثبات غیر فطری بودن هم جنس گرایی از طریق نهی‌های وارده در باب هم جنس گرایی، نیاز به اثبات دو مقدمه داریم که با ضمیمه هر دو مقدمه با هم غیر فطری بودن هم جنس گرایی واضح می‌شود. مقدمه اول: در آموزه‌های اسلامی هم جنس گرایی مورد نهی شارع مقدس قرار گرفته است. مقدمه دوم: احکام اسلامی یا باید‌ها و نبایدهای دینی با فطرت انسان سازگاری دارد. شواهد مقدمه اول:

خداوند در قرآن در آیات متعددی مانند آیات ۷۰ الی ۸۵ سوره هود و ۷۴ و ۷۵ سوره مبارکه انبیاء و آیات دیگر به بیان داستان قوم لوط و عمل شنیع آن‌ها پرداخته و به طرق مختلف حرمت این فعل را بیان می‌دارد. برخی از آیات هم جنس گرایی را مصداق فاحشه‌ای که باید از آن دوری شود، معرفی



می‌کند؛ مانند آیه ۱۵۱ سوره انعام حضرت لوط فعل قوم خود را یک نوع فاحشه معرفی می‌کند، همان فاحشه‌ای که خدا می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ (انعام/۱۵۱)؛ «و به فحشا نزدیک نشوید، خواه آشکار باشد و خواه پوشیده».

در برخی از آیات با منکر خواندن هم‌جنس‌گرایی و نسبت گمراهی و جهل دادن به مرتکبان آن، از این رفتار نهی شده است؛ مانند آیه ۲۹ سوره عنکبوت حضرت لوط به قومش می‌فرماید: ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ﴾ (عنکبوت/۲۹)؛ «آیا شما به شهوت‌رانی با مردان خلوت کرده و راه (فطرت زناشویی) را قطع می‌کنید و در مجامع خود (بی‌هیچ خجالت) به کار قبیح می‌پردازید؟»

یا در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل/۵۵)؛ «آیا شما با مردان شهوت‌رانی کرده و زنان را ترک می‌گویید؟ بلکه شما بسیار مردم جهالت‌پیشه و گمراهی هستید».

در برخی دیگر از آیات با توبیخ رهاکردن زنان و انتخاب شیوه‌ای غلط، هم‌جنس‌گرایی را مورد طعن قرار داده است؛ مانند آیه ۱۶۶ سوره شعرا که در آن حضرت لوط برای سرزنش کردن فعل قومش می‌فرماید: ﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾ (شعراء/۱۶۶)؛ «همسرانی را که خدا برای شما قرار داده، رها می‌کنید و به راهی می‌روید که خدا قرار نداده است. شما مردمی متجاوز و نابکار هستید» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که حضرت لوط مردم را از عمل فحشایی که مخالف با فطرت و ذات آن‌ها بوده نهی می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست که به سنت خلقت و فطری خودشان بازگردند که ازدواج مرد با زن است. (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۵۳۱/۱۰)

در برخی از آیات هم از طریق ذکر منافع ازدواج با جنس مخالف، از هم‌جنس‌گرایی و تمایل به جنس موافق نهی شده است. در قرآن کلمه زوج در آیات متعددی تکرار شده است (مومنون/۲۷؛ ق/۷، یس/۵۶؛ انعام/۱۴۳؛ ذاریات/۴۹؛ لقمان/۱۰). لغت‌شناسان مصداق کلمه زوج را نر و ماده‌ای می‌دانند که با هم جفت شده باشند (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۱۶۶/۶؛ ابن‌عباد، المحيط فی اللغة، ۱۴۱۴: ۷/۱۴۸؛ راغب‌اصفهان، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۳۸۴؛ واسطی‌زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴: ۳/۳۹۴)، و طبق آموزه‌های اسلامی یکی از فواید ازدواج، آرامش است (روم/۲۱) و زمانی حاصل می‌شود که گزینه جنسی از راه صحیح و طبیعی آن‌که ازدواج دو جنس مخالف باشد حاصل شود (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۵/۳۷۳). یوسف قرضاوی بعد از سرشتی دانستن امور فطری در انسان‌ها، کشش به جنس مخالف را فطری و طبیعی می‌داند و قائل است انسان با این فطرت آفریده

شده است و یکی از وظایف دین اسلام را حفظ و صیانت از این فطرت می‌داند تا مبادا با طغیان و پیروی از نفس اماره و شیطان، انسان از مسیر اصلی خودش خارج شود و برخلاف فطرت و طبیعت ذاتی خود گرایش به جنس موافق پیدا کند. (Kugle, & Hunt, Masculinity, homosexuality and the defence of Islam: A case study of Yusuf al-Qaradawi's Media Fatwa, 2012, p270) می‌فرماید: خداوند ذات زن و مرد را مکمل یکدیگر قرار داده که با کنار هم قرارگرفتن آرام می‌شوند، هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی و کسانی که با جنس مخالف ازدواج نمی‌کنند؛ چون یک مرحله از تکامل آن‌ها متوقف شده است این نقصان در ذات آن‌ها موجب بروز مشکلات روحی و روانی برای آن‌ها خواهد شد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۳۹۱/۱۶). به دلیل ایجاد مشکلات فراوان است که در احادیث امامان معصومین (علیهم‌السلام)، هم جنس‌گرایی مصداق هلاکت محسوب شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۵/۵۴۴).

در روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم به بیان‌های مختلف، به قبیح و زشتی هم جنس‌گرایی تصریح شده است. برخی روایات بیانگر عدم پاک‌شدن از این گناه، خشم و لعنت خدا و مجازات جهنم در قیامت هستند (همان: ۵/۵۴۴). برخی روایات نیز انجام این عمل را موجب کفر می‌داند (همان: ۵/۵۴۴). برخی از روایات نیز برای نشان‌دادن قبیح این عمل می‌فرمایند: خداوند به‌خاطر لواط قومی را عذاب کرده است؛ اما به‌خاطر زنا، هیچ قومی را عذاب نکرده است (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۰/۳۲۹). شواهد مقدمه دوم:

در لغت فطرت به سرشت و ذات و طبیعت انسان ترجمه شده است. در قاموس المحيط در تعریف فطرت آمده است: فطرت عبارت از آفرینشی است که بر آن اساس فرزند در رحم مادر آفریده شده است (فیروزآبادی، قاموس المحيط ۱۴۱۵: ۲/۱۱۰). در تعریفی دیگر آمده است: فطرت عبارت از صفتی است که هر موجودی در آغاز آفرینش به آن متصف است (شرتوتی، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، ۱۴۱۶: ۲/۹۳۳).

براساس آموزه‌های اسلامی، همه انسان‌ها دارای ماهیت مشترک انسانی هستند که به آن فطرت می‌گویند. امور فطری به اموری گفته می‌شود که مشترک بین همه انسان‌ها، ذاتی و غیرقابل تبدیل و تحول باشد (جوادی آملی، فطرت در قرآن، ۱۳۹۰: ۲۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹/۴۳). فطریات در انسان‌ها به دو گروه ادراکات و گرایش‌ها تقسیم‌بندی می‌شود. مقصود از گرایش، حالت میل در وجود انسان است. گرایش جنسی یکی از گرایش‌های فطری و مشترک همه انسان‌ها است (غفوری‌نژاد، نظریه فطرت و علوم انسانی، منش‌های متقابل، ۱۳۸۹: ۹۷). فطری بودن گرایش جنسی به این



معناست که این گرایش بدون اینکه از جایی کسب کرده باشد یا فراگرفته باشد در وجود انسان است (جوادی‌آملی، فطرت در قرآن، ۱۳۹۰: ۱۹۷). برای روشن شدن بهتر مطلب لازم است که یادآوری شود فطرت مانند طبیعت و غریزه، یک امر تکوینی است؛ یعنی جزء سرشت انسان است. به عبارت ساده‌تر انسان یک سلسله فطریات دارد و می‌داند که چنین فطریاتی دارد (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۹۱: ۳/۳۳)؛ یعنی انسان‌ها جدای از منطقه جغرافیایی یا دین و مذهب، چه بخواهند یا نخواهند ادراکات یا گرایش‌های فطری در آن‌ها وجود دارد.

در یک تقسیم‌بندی، محتویات دین، به هست‌ها و نیست‌ها مانند اعتقاد به خدا و معاد و بایدها و نبایدها که از آن‌ها به احکام الهی تعبیر می‌شود، تقسیم می‌شود. ادعای اندیشمندان اسلامی این است که احکام الهی با فطرت انسانی سازگاری دارد و در فطرت انسان نوعی گرایش و تطابق با تعالیم الهی یا بایدها و نبایدهای دینی وجود دارد. چون احکام الهی عین عدالت و حق است و فطرت انسان نیز بر گرایش به حق و عدالت سرشته شده است. گرایش فطرت انسان به احکام الهی یک رابطه وجودی است که در سرشت و حقیقت او نهاده شده است، نه آنکه امری اعتباری باشد (جوادی‌آملی، فطرت در قرآن، ۱۳۹۰: ۱۷۳)، چون آموزه‌ها و تعلیمات اسلامی براساس مجموعه‌ای از امور فطری است و قرآن به‌صراحت بیان کرده است که دین فطری است (روم/۳۰). مقصود از فطری بودن دین آن است که معارف یادشده، ویژگی‌های امور فطری را دارد؛ یعنی عمومیت داشته و ثابت و تغییرناپذیر هستند.

علامه طباطبایی در توضیح و تبیین فطری بودن دین این‌گونه استدلال می‌کند:

۱. ملاحظه همه موجودات نشان می‌دهد که انواع موجودات در حال حرکت هستند؛
  ۲. حرکت انواع موجودات نشان می‌دهد که حرکت آن‌ها تکاملی است؛
  ۳. انسان یکی از انواع موجودات است؛
  ۴. انسان دارای حرکت تکاملی است؛
  ۵. انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال لایق خود به‌تنهایی قادر به تأمین نیازهای خود نیست؛
  ۶. روش‌های تأمین نیاز برای رسیدن به کمال لایق در وجود انسان نهاده شده است؛
  ۷. انسان دارای نوع خاصی از آفرینش است که او را به‌سوی غایت مناسب سوق می‌دهد؛
  ۸. این روش‌های رسیدن به کمال، همان دین است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۸۹).
- ایشان معتقد است که انسان تمام مصالح و مفاسد خود را با بهره‌گیری از فطرت تشخیص می‌دهد و مصالح و مفاسد تشخیص داده همان مصالح و مفاسد واقعی هستند و تمامی انحرافات، غیرطبیعی و برخلاف فطرت انسانی بوده که او را از فطرت انسانی‌اش دور می‌کند (همان: ۱۴/۹۵).

آیت الله مکارم شیرازی با ذکر سه مقدمه اثبات می کند که تمام آموزه های دینی فطری هستند:

۱. نتایج تحقیقات در امور دینی و لازمه اعتقاد به توحید این است که باید بین تکوین و تشریع الهی هماهنگی وجود داشته باشد؛ یعنی میان فرامین الهی و فطرت انسانی ملازمه ای وجود دارد و امکان ندارد این دو با هم در تناقض و تضاد قرار بگیرند و به عبارت صریح تر تمام اوامر و نواهی خداوند را می توان در فطرت انسانی نیز مشاهده کرد و امکان ندارد که یک فرمان یا نهی از طرف خدا صادر شده باشد، ولی فطرت پاک انسانی با آن تمایل یا از آن تنفر نداشته باشد.

۲. شریعت آسمانی از هرگونه انحراف و پلیدی به دور است و انحرافات و پلیدی ها باعث انحراف فطرت پاک انسانی می شود، لذا یکی از وظایف پیامبران به عنوان نمایندگان خدا، زدودن این انحرافات جهت شکوفایی فطرت انسانی است.

۳. آیاتی مانند «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم/۳۰) را می توان تأکیدی بر فطری بودن شریعت الهی و ثابت بودن امور فطری دانست؛ گرچه برخی از انسان ها به دلیل رشد ناکافی یا انحراف فطرت، این موضوع را درک نمی کنند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۶/۴۱۸).

با وجود نهی های فراوان نسبت به ممنوعیت هم جنس گرایی در شرع مقدس اسلام و با توجه به اثبات فطری بودن اوامر و نواهی الهی و با ضمیمه کردن هر دو مقدمه، غیر فطری بودن هم جنس گرایی به صورت غیر مستقیم قابل اثبات خواهد بود.

افزون بر روش ذکر شده، با دقت نظر در تعابیر استفاده شده در کلام الهی درباره هم جنس گرایی، مانند اسراف (اعراف/۸۱)، خبث، فسق (انبیاء/۷۴)، تجاوز (شعراء/۱۶۶)، جهل (نمل/۵۵)، تقطیع راه فطرت (عنکبوت/۲۹) ما را در اثبات غیر فطری بودن این رفتار به صورت غیر مستقیم کمک می کند.

اسراف در لغت از «سرف» گرفته شده است که به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن در هر کاری است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۲۳۰) در قرآن، قتل (اسراء/۳۳)، کفر و شرک (غافر/۴۳)، ادعای دروغین نبوت (غافر/۲۸)، تکذیب انبیاء (یس/۱۹)، تکذیب قرآن (زخرف/۵)، و موارد دیگر (یونس/۸۳، انعام/۱۴۱، اعراف/۳۱) از مصادیق اسراف بیان شده است و در آیات مختلف اسراف کنندگان را مستحق عذاب دنیوی (انبیاء/۹) و اخروی (طه/۱۲۷) می داند. خداوند در دو آیه ۸۱ اعراف و ۳۴ ذاریات، از قوم لوط به اسراف کنندگان تعبیر کرده است. وجه شباهت بین فعل قوم لوط و بقیه مصادیق اسراف را می توان در دو نکته دانست. یکی اختیاری بودن افعال است و دیگری تجاوز و خارج دن از حد و مرز تعیین شده است. هم جنس گرایی چون عبور از حد و مرز تعیین شده توسط خداوند است، لذا به اسراف تعبیر شده است.



خبث به معنای پلیدی و ناپاکی و چیزی است که طبع انسان از آن تنفر دارد (قرشی‌بنایی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۲۱۸/۲). در قرآن صفت خبیث برای مال (بقره/۲۶۷)، طعام (اعراف/۱۵۷)، انسان (نور/۲۶)، زمین (اعراف/۵۸) و کلام (ابراهیم/۲۶) ذکر شده است. ویژگی مشترک مصادیق خبث در قرآن، تنفر انسان از آنهاست. طبیعت و فطرت هر انسان سالمی از غذا، مال و انسانی که مرتکب خبیث می‌شود متنفر است. قرآن از فعل همجنس‌گرایان تعبیر به خبیث کرده است و خبیث یعنی هر چیز ناخوشایند که دلیل آن نیز، وجود یکی از ناپاکی‌های ظاهری یا باطنی است (محمودی‌ری‌شهری، کرائم قرآن در فضایل اهل بیت، ۱۳۹۴: ۲۸۶). استفاده از این تعبیر توسط خداوند برای همجنس‌گرایان ما را به این نکته رهنمود می‌سازد که همجنس‌گرایی مغایر با فطرت و سرشت ذاتی انسان است.

فسق به معنای نافرمانی از دستور خداوند است و فاسق را از این جهت فاسق می‌گویند، چون از حکم عقل و فطرت سرپیچی کرده است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ۹/۹۰)؛ مانند خروج عبد از اوامر اطاعت خداوند یا خارج شدن از مقررات دینی، عقلی یا طبیعی. مصادیق فسق را در قرآن کریم می‌توان ارتداد (نور/۵۵)، تخلف از جهاد (توبه/۴۹)، تکذیب آیات خداوند (انعام/۴۹)، ترویج منکرات (توبه/۶۷)، مخالفت دستور خدا (کهف/۵۰)، کفر (بقره/۹۹) و... دانست. خداوند فاسقان را مستحق ذلت و خواری (حشر/۵) و آتش جهنم (سجده/۲۰) می‌داند. وجه مشترک همه مصادیق فسق در قرآن، خروج از مسیر بندگی و صراط حق است. با توجه به معنای فسق، غیرفطری بودن همجنس‌گرایی به صورت واضح آشکار می‌شود؛ چون فرد همجنس‌گرا کاری را انجام می‌دهد که مخالف با طبع و فطرت ذاتی انسان است.

جهل در لغت به دو معنا ذکر شده، معنای رایج و متبادر به ذهن آن یعنی نقیض علم یا نادانی (انعام/۵۴) و به معنای سبک‌عقلی، سفاکت و بی‌اعتنایی است (یوسف/۸۹؛ ابن‌فارس، معجم مقایس اللغة، ۱۴۰۴: ۱/۴۸۹). این نوع جهالت، توأم با علم است؛ ولی به علم خود بی‌اعتنا است. گرچه برخی گفته‌اند به معنای انجام کار برخلاف آنچه باید انجام شود نیز استعمال می‌شود (راغب‌اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱/۱۰۲). در آیه ۵۵ سوره نمل، جهل به معنای نبود علم نیست؛ بلکه به معنای دوم است خداوند به قوم لوط نسبت جهل می‌دهد؛ یعنی با اینکه می‌دانید فعل شما خلاف عقل و فطرت است؛ اما باز هم بی‌اعتنایی می‌کنید و انجام می‌دهید.

عادون از عدو به معنای تجاوز از حد خود و گذرکردن از جایی است که باید به آن بسنده شود است (ابن‌فارس، معجم مقایس اللغة، ۱۴۰۴: ۴/۲۴۹). این کلمه سه مرتبه در قرآن ذکر شده است. در سوره‌های مؤمن آیه ۷ و معارج آیه ۳۱؛ در این دو آیه خداوند راه برطرف کردن نیاز جنسی را منحصر در

دو راه یعنی همسر و کنیز می‌داند و غیر از این دو راه را مصداق تجاوز از حق خود می‌داند؛ لذا در آیه ۱۶۶ شعراء، وقتی حضرت لوط مشاهده می‌کند که قومش هم‌جنس‌گرا شدند و برای برطرف کردن نیاز جنسی راه دیگری را انتخاب کردند، می‌فرماید شما راهی را که خدا برای شما و در فطرت و طبیعت شما قرار داده رها کردید، شما مصداق متجاوزان هستید.

مراد از تقطیع راه، همان ادامه نسل است که از طریق ازدواج می‌باشد؛ همان راهی که پیغمبر آن را فطرت خودش می‌داند و فرمودند: هرکس می‌خواهد طبق فطرت و سرشت ذاتی من عمل کند، باید طبق سنت من رفتار کند و یکی از سنت‌های من ازدواج است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/۴۹۶). رسول اکرم ﷺ ازدواج دو جنس مخالف را بر طبق فطرت و سرشت ذات انسان می‌داند، چون فطرت ایشان متمایز از دیگر انسان‌ها نیست.

## نتیجه

طرفداران هم‌جنس‌گرایی تلاش دارند با استفاده از نتایج برخی تحقیقات تجربی، هم‌جنس‌گرایی را معلول عوامل غیراختیاری مانند ژنتیک، هورمون و ساختار مغزی جلوه دهند تا از این رهگذر هم‌جنس‌گرایی را امری سرشتی و جزء جدایی‌ناپذیر از ذات بشری انسان معرفی کنند. گرچه این نظریه از منظر علوم تجربی مورد نقد قرار گرفته است، در این نوشتار کوشیدیم برای نخستین بار این نظریه را از منظر متفاوت و از نگاه درون‌دینی مورد نقد قرار دهیم.

آموزه‌های مسیحی و اسلامی، با نسبت دادن هم‌جنس‌گرایی به قوم لوط و انحرافی دانستن این رفتار، هرگونه سرشتی بودن آن را نفی می‌کند. در عهد عتیق، گرچه آموزه مستقیم بر اثبات مدعا وجود ندارد؛ اما با ضمیمه کردن آیات دیگر می‌توان غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی را به اثبات رساند. در عهد جدید نیز علاوه بر وجود آموزه‌های غیرمستقیم، اثبات غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی به صورت مستقیم امکان‌پذیر است.

از آموزه‌های اسلامی نیز به دو شیوه می‌توان مدعا را اثبات کرد، علاوه بر اقامه دلیل از کلام خداوند که به صورت صریح و مستقل بر غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی دلالت دارد، می‌توان از برخی روایات هم شاهی بر تأیید کلام الهی اقامه کرد. افزون بر این با ضمیمه کردن دلایل فطری بودن اوامر و نواهی الهی به نهی‌های وارده درباره هم‌جنس‌گرایی می‌توان غیرفطری بودن این رفتار را از طریق غیرمستقیم نیز به اثبات رساند؛ چنانکه می‌توان با دقت نظر در تعبیر استفاده شده در قرآن درباره این رفتار مانند، فسق، خبث و دیگر تعبیر، اختیاری بودن و غیرفطری بودن هم‌جنس‌گرایی را نتیجه گرفت.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹.
۳. ابن عباد، اسماعیل بن صاحب، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۷. جبلی، سید جلیل، شناسایی و تبیین ابعاد هویت در جوانان پسر با گرایش به همجنس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۹۷.
۸. جواد آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۰.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۹.
۱۰. حق‌پرسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر الکتاب، ۱۴۱۲.
۱۲. روزن‌هان، دی‌وی، سلیگمن، مارتین، روانشناسی نابهنجاری، آسیب‌شناسی روانی براساس dsm-1، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۹۲.
۱۳. شرتوتی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، تهران: اوقاف، ۱۴۱۶.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، ارشد: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲.

۱۸. غفوری نژاد، محمد، نظریه فطرت و علوم انسانی، منش های متقابل، نشریه عقل و دین، دوره ۱، شماره ۲، فروردین، ۱۳۸۹.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰.
۲۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۲۱. قاسمی، سلمان؛ صفورایی، محمد مهدی؛ علی پور شهرکی، شهلا، نقش کانونی خانواده و نقش های خانوادگی در تحقق سبک زندگی اسلامی براساس قرآن، دوفصلنامه قرآن و علم، سال هفدهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان، ۱۴۰۲.
۲۲. قرشی بنایی، علی کبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
۲۳. کریم پور قراملکی، علی؛ ملایی، احمد، تحلیل مبانی قرآنی تولید نسل انسان، دوفصلنامه قرآن و علم، سال هفدهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان، ۱۴۰۲.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۲۹.
۲۵. گولومبک، سوزان، را بین، فی وش، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: ققنوس، ۱۳۷۸.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳.
۲۷. محمدی شهری، محمد، کرائم قرآن در فضایل اهل بیت، قم: دارالحديث، ۱۳۹۴.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۹۱.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت، ۱۴۰۸.
۳۲. واسطی زبیدی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة وال نشر والتوزيع، ۱۴۱۴.
۳۳. وکیلی، شروین، هم جنس گرایی؛ تحلیلی در جامعه شناسی تکاملی، تهران: انتشارات راگا، ۱۳۹۶.
۳۴. هامر، دین، کوپلند، پیتر، نقش ژن ها در شکل گیری شخصیت، ترجمه علی متولی زاده اردکانی، تهران: نشر چهره، ۱۳۸۲.



35. Blanchard, R. (2018). Fraternal birth order, family size, and male homosexuality: Meta-analysis of studies spanning 25 years. *Archives of sexual behavior*, 47(1), 1-15.
36. Byne, W., & Parsons, B. (1993). Human sexual orientation: The biologic theories reappraised. *Archives of General Psychiatry*, 50(3), 228-239.
37. Chalabi, M. (2013). Gay Britain: What do the statistics say? *The Guardian*, 3.
38. Crompton, L. (2006). *Homosexuality and civilization*. Harvard University Press.
39. Drescher, J., & Zucker, K. J. (2013). *Ex-gay research: Analyzing the Spitzer study and its relation to science, religion, politics, and culture*. Routledge.
40. Ellis, L., & Ames, M. A. (1987). Neurohormonal functioning and sexual orientation: A theory of homosexuality-heterosexuality. *Psychological bulletin*, 101(2), 233.
41. Garnets, L. D., & Peplau, L. A. (2000). Understanding women's sexualities and sexual orientations: An introduction. *Journal of Social Issues*, 56(2), 181-192.
42. Kugle, S., & Hunt, S. (2012). Masculinity, homosexuality and the defence of Islam: A case study of Yusuf al-Qaradawi's Media Fatwa. *Religion and Gender*, 2(2), 254-279.
43. Kruijver, F. P., Zhou, J. N., Pool, C. W., Hofman, M. A., Gooren, L. J., & Swaab, D. F. (2000). Male-to-female transsexuals have female neuron numbers in a limbic nucleus. *The Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism*, 85(5), 2034-2041.
44. McCarthy, J. (2018). Two in three Americans support same-sex marriage. *Gallup Politics*.
45. Park, D., Choi, D., Lee, J., Lim, D. S., & Park, C. (2010). Male-like sexual behavior of female mouse lacking fucose mutarotase. *BMC genetics*, 11, 1-12.
46. Rahman, Q., & Wilson, G. D. (2003). Sexual orientation and the 2nd to 4th finger length ratio: evidence for organising effects of sex hormones or developmental instability?. *Psychoneuroendocrinology*, 28(3), 288-303.
47. Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2007). *Abnormal sexuality and sexual dysfunctions*. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences /clinical psychiatry. 10th ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins, 689 - 705.

48. Spitzer, R. L. (2013). Can some gay men and lesbians change their sexual orientation? 200 participants reporting a change from homosexual to heterosexual orientation. In *Ex-Gay Research* (pp. 35-63). Routledge.
49. Aquinas, S. T. (2014). *The summa theologica: Complete edition*. Catholic Way Publishing.
50. Vasey, P. L. (2002). Same-sex sexual partner preference in hormonally and neurologically unmanipulated animals. *Annual Review of Sex Research*, 13(1), 141-179.
51. Zhou, J. N., Hofman, M. A., Gooren, L. J., & Swaab, D. F. (1995). A sex difference in the human brain and its relation to transsexuality. *Nature*, 378(6552), 68-70 .



## References

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Tarjome: Mohammad Ali Rezaei Esfahani va Jami'i az Asatid Jami'at al-Mustafa (Translation: Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa Univeristy), Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Aquinas, S. T. (2014). *The Summa Theologica: Complete Edition*. Catholic Way Publishing.
3. Baydawi, Abdullah bin Omar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (The Lights of Revelation and Secrets of Interpretation) [Baydawi's Commentary]*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
4. Blanchard, R. (2018). *Fraternal Birth Order, Family Size, and Male Homosexuality: Meta-Analysis of Studies Spanning 25 Years*. Archives of Sexual Behavior, 47(1), 1-15.
5. Byne, W., & Parsons, B. (1993). *Human Sexual Orientation: The Biologic Theories Reappraised*. Archives of General Psychiatry, 50(3), 228-239.
6. Chalabi, M. (2013). *Gay Britain: What Do The Statistics Say? The Guardian*, 3.
7. Crompton, L. (2006). *Homosexuality and Civilization*. Harvard University Press.
8. Drescher, J., & Zucker, K. J. (2013). *Ex-Gay Research: Analyzing The Spitzer Study And Its Relation To Science, Religion, Politics, And Culture*. Routledge.
9. Ellis, L., & Ames, M. A. (1987). *Neurohormonal Functioning and Sexual Orientation: A Theory of Homosexuality-Heterosexuality*. Psychological Bulletin, 101(2), 233.
10. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Al-Ayn*, Qom: Hijrat, 1410 AH (1989 CE).
11. Firoozabadi, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Qamus al-Muhit (The Comprehensive Dictionary)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
12. Garnets, L. D., & Peplau, L. A. (2000). *Understanding Women's Sexualities and Sexual Orientations: An Introduction*. Journal of Social Issues, 56(2), 181-192.
13. Ghafoori-Nejad, Mohammad, *Nazariyeh-ye Fitrah va Oloum Insani (The Theory of Human Nature and Humanities: Intersecting Perspectives)*, Aql va Din Journal, Vol. 1, No. 2, Farvardin, 1389 SH (2010 CE).
14. Golombok, Susan, Robin Fiwish, *Roshd Jinsiyyat (Gender Development)*, Translated by Mehrnaz Shahrari, Tehran: Qoqnoos, 1378 SH (1999 CE).
15. Hammer, Dean; Copeland, Peter, *Naqsh Genha dar Shaklgiri Shakhshiiya (The Role of Genes in Personality Formation)*, Translated by Ali Motavallizadeh Ardekani, Tehran: Chahre Publications, 1382 SH (2003 CE).
16. Haqqi Barsui, Ismail bin Mustafa, *Tafsir Ruh al-Bayan (The Spirit of Explanation Commentary)*, Beirut: Dar al-Fikr, undated.
17. Hur Ameli, Mohammad bin Hassan, *Wasail al-Shi'a (The Means of the Shia)*, Qom: Al al-Bayt, 1409 AH (1988 CE).

18. Ibn Abbas, Ismail bin Sahib, *Al-Muhit fi al-Lughah (The Encircling Dictionary in Language)*, Beirut: Alam al-Kutub, 1414 AH (1993 CE).
19. Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman bin Mohammad, *Tafsir al-Quran al-Azim (Exegesis of the Great Quran)*, Riyadh: Nazar Mustafa al-Baz Library, 1419 AH (1998 CE).
20. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, *Ilal al-Sharai' (The Reasons for the Laws)*, Qom: Davari Bookstore, 1385 SH (2006 CE).
21. Ibn Faris, Ahmad bin Faris, *Mujam Maqayis al-Lughah (Dictionary of the Measures of Language)*, Qom: Office of Islamic Media, 1404 AH (1984 CE).
22. Jabali, Seyyed Jalil, *Shanasa'i va Tabyin Ab'ad Hoviyat dar Javanane Pesar ba Garayesh be Ham-Jens (Identifying and Explaining Aspects of Identity in Young Males with Same-Sex Orientation)*, Master's Thesis in Family Counseling, Tehran: University of Tehran, 1397 SH (2018 CE).
23. Jawadi Amoli, Abdullah, *Fitrah dar Quran (Human Nature in the Quran)*, Qom: Esra, 1390 SH (2011 CE).
24. Karimpour Qaramalaki, Ali; Mulaei, Ahmad, *Tahlil-e Mabani Qurani Tolid Nasl Insan (Analysis of Quranic Foundations for Human Reproduction)*, Quran va Ilm Journal, Vol. 17, No. 32, Spring and Summer, 1402 SH (2023 CE).
25. Kruijver, F. P., Zhou, J. N., Pool, C. W., Hofman, M. A., Gooren, L. J., & Swaab, D. F. (2000). *Male-To-Female Transsexuals Have Female Neuron Numbers In A Limbic Nucleus*. The Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism, 85(5), 2034-2041.
26. Kugle, S., & Hunt, S. (2012). *Masculinity, Homosexuality and the Defence of Islam: A Case Study of Yusuf Al-Qaradawi's Media Fatwa*. Religion and Gender, 2(2), 254-279.
27. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Edited and verified by Ghaffari, Ali Akbar; Akhundi, Mohammad, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 4th Edition, 1429 AH (2008 CE).
28. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Beirut: Maktabah al-Wafa, 1403 AH (1983 CE).
29. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemounah (The Exemplar Exegesis)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1371 SH (1992 CE).
30. Mccarthy, J. (2018). *Two In Three Americans Support Same-Sex Marriage*. Gallup Politics.
31. Mohammadi Rayshahri, Mohammad, *Karayem al-Quran fi Fazayil Ahl al-Bayt (Quranic Narratives on the Virtues of Ahl al-Bayt)*, Qom: Dar al-Hadith, 1394 SH (2015 CE).
32. Motahhari, Morteza, *Majmu'eh-ye Asar (Collection of Works)*, Tehran: Sadra, 1391 SH (2012 CE).



33. Mustafawi, Hasan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran (Research on Quranic Words)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1368 SH (1989 CE).
34. Noori, Hossein bin Mohammad Taqi, *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbit al-Masa'il (Supplement to the Means and Derivations of Issues)*, Qom: Al al-Bayt, 1408 AH (1987 CE).
35. Park, D., Choi, D., Lee, J., Lim, D. S., & Park, C. (2010). *Male-Like Sexual Behavior of Female Mouse Lacking Fucose Mutarotase*. BMC Genetics, 11, 1-12.
36. Qasemi, Salman; Safourai, Mohammad Mehdi; Ali-Pourshahraki, Shahla, *Naghsh-e Kanoni Khanevadeh va Naghsh-haye Khanevadegi dar Tahqiq-e Style Zindagi Islami bar Asas-e Quran (The Central Role of Family and Family Roles in Achieving an Islamic Lifestyle Based on the Quran)*, Quran and Science Ilm Journal, Vol. 17, No. 32, Spring and Summer, 1402 SH (2023 CE).
37. Qorashi Bonabi, Ali Akbar, *Qamus al-Quran (Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1412 AH (1991 CE).
38. Raghieb Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (The Singularities in the Quranic Lexicon)*, Tehran: Office of Publishing Books, 1412 AH (1991 CE).
39. Rahman, Q., & Wilson, G. D. (2003). *Sexual Orientation And The 2nd To 4th Finger Length Ratio: Evidence For Organising Effects Of Sex Hormones Or Developmental Instability?*. Psychoneuroendocrinology, 28(3), 288-303.
40. Roznahan, D.V.; Seligman, Martin, *Ravanshenasi Nabehanjari, Asibshenasi Rawani Bar Asas dsm-1 (Psychology of Abnormality: Psychopathology Based on DSM-I)*, Translated by Yahya Seyed-Mohammadi, Tehran: Arsbaran Publications, 1392 SH (2013 CE).
41. Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2007). *Abnormal Sexuality and Sexual Dysfunctions*. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences /Clinical Psychiatry. 10th Ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins, 689 - 705.
42. Shartouti, Said, *Aqrab al-Mawarid fi Fusha al-Arabiyya wa al-Shawared (The Closest Sources in Arabic Purity and Abstractions)*, Tehran: Awqaf, 1416 AH (1995 CE).
43. Spitzer, R. L. (2013). *Can Some Gay Men And Lesbians Change Their Sexual Orientation? 200 Participants Reporting A Change From Homosexual To Heterosexual Orientation*. In Ex-Gay Research (Pp. 35-63). Routledge.
44. Tabarani, Sulayman bin Ahmad, *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azim (al-Tabarani) (The Great Commentary: Exegesis of the Great Quran)*, Arshad: Dar al-Kitab al-Thaqafi, 2008 CE.
45. Tabari, Mohammad bin Jareer, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Tabari's Commentary)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1412 AH (1991 CE).

46. Tabarsi, Fadl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Gathering of Elucidations in Quranic Exegesis)*, Tehran: Nasser Khusro, 1372 SH (1993 CE).
47. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers, 1417 AH (1996 CE).
48. Vakili, Sherwin, *Ham-Jens-Garai; Tahlili dar Jameh-Shenasi Takamoli (Homosexuality: An Evolutionary Sociology Analysis)*, Tehran: Raga Publications, 1396 SH (2017 CE).
49. Vasey, P. L. (2002). *Same-Sex Sexual Partner Preference in Hormonally and Neurologically Unmanipulated Animals*. Annual Review of Sex Research, 13(1), 141-179.
50. Wasiti Zabidi, Mahbub al-Din, *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Fikr al-Taba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi', 1414 AH (1993 CE).
51. Zhou, J. N., Hofman, M. A., Gooren, L. J., & Swaab, D. F. (1995). *A Sex Difference in the Human Brain And Its Relation To Transsexuality*. Nature, 378(6552), 68-70.